

۲۸ نکته‌ی تربیتی در داستان زندگی حضرت موسی (ع) در قرآن کریم

پیامبری در قصر

ناصر نادری
تصویرگر: نسیم نوروزی

اشاره

حضرت موسی (ع) از پیامبران بزرگ الهی و از انبیای اولوالعزم به‌شمار می‌آید. در قرآن کریم در بیست سوره از وی سخن گفته شده است و ۱۳۶ بار از وی یاد شده است: سوره‌های بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، یونس، هود، ابراهیم، اسراء، کهف، مریم، طه، انبیا، حج، مؤمنون، فرقان، شعراء، نمل، قصص، عنکبوت، الم سجده، احزاب، صافات، غافر، حم سجده، شوری، زخرف، احقاف، ذاریات، نجم، صف، نازعات و اعلی. حضرت موسی (ع) فرزند عمران، ملقب به «کلیم‌الله» (هم‌کلام با خدا)، مأمور به رسالت در قوم بنی‌اسرائیل بوده است و کتاب آسمانی‌اش «تورات» نام دارد. زمان ظهورش در فاصله‌ی قرن‌های ۱۳ تا ۱۵ پیش از میلاد مسیح بوده است. هارون، برادرش، در رسالت حامی او بود. موسی (ع) داماد شعیب پیامبر بوده است. در این شماره، ضمن پرداختن به فرازهای مهم زندگی حضرت موسی (ع)، به برخی از جلوه‌های تربیتی داستان زندگی او در لابه‌لای آیه‌های قرآن کریم اشاره خواهد شد.

فرازهای مهم زندگی حضرت موسی (ع)

- تولد موسی (ع) و افکندن وی توسط مادر در گهواره‌ای از چوب و حصیر به آب و نجات موسی (ع) به وسیلهٔ آسیه، همسر فرعون؛
- بزرگ شدن موسی (ع) در قصر فرعون و با شیر مادر خودش؛
- قتل یکی از قبطیان (حامیان فرعون) توسط موسی (ع) و هجرت وی به شهر «مَدین»؛
- ازدواج موسی (ع) با یکی از دختران شعیب پیامبر و ده سال چوپانی برای وی؛
- بازگشت به سرزمین مصر و برگزیده شدن به پیامبری؛
- حضور در قصر فرعون همراه با برادرش هارون و معجزه‌های موسی (ع)؛
- خروج شبانه‌ی موسی (ع) و پیروانش از مصر و غرق شدن فرعون و لشکریانش در رود نیل.

گروه مؤمنان

«داستان موسی و فرعون را به راستی برای گروه مؤمنان بر تو می‌خوانیم»

(قصص / ۳۰).

- هدف قرآن از بیان این داستان هدایت مؤمنان است. (برای گروه مؤمنان)
- نخستین شرط هدایت «قابلیت» است. (برای گروه مؤمنان)

در آن سرزمین

«فرعون در آن سرزمین برتری طلب بود و مردمش را گروه‌گروه کرد و گروهی را با کشتن پسرانشان و باقی گذاشتن زنانشان ضعیف و خوار داشت. او به راستی از تبه‌کاران است» (قصص / ۴).

- ایجاد تفرقه از ابزارهای مستبدان برای تسلط به مردم است. (و مردمش را گروه‌گروه کرد).
- تفرقه مقدمه‌ی ذلت‌پذیری است. (گروه‌گروه کرد... ضعیف و خوار داشت).
- تفرقه‌افکنان مفسدند. (... از تبه‌کاران است).



به دریا بینداز

«به مادر موسی وحی کردیم که او را شیر بده و چون بر جانش بیمناک شدی، او را به دریا بینداز. نترس و اندوهگین مشو که ما او را به تو باز می‌گردانیم و در سِلک پیامبرانش می‌آوریم» (قصص/۷).

- در هنگام اضطراب و نگرانی بهترین حمایتگر مؤمنان خداست. (... وحی کردیم.)
- زنان قادرند از الهام غیبی الهی بهره‌مند شوند. (به مادر موسی وحی کردیم.)
- نزول امدادهای غیبی با استفاده از ابزار مادی، منافاتی با هم ندارند. (... او را شیر بده.)

روشنی چشم

«و همسر فرعون گفت: «او را نکشید که مایه روشنی چشم من و توست. شاید به ما سودی برساند یا او را به فرزندی خود برگزینیم» (قصص/۹).

- زن باید در جامعه منشأ اثر باشد. (همسر فرعون گفت...)
- پیشنهاد به موقع، همراه با استفاده از عنصر محبت و عاطفه، کارساز است. (... مایه‌ی روشنی چشم من و توست.)
- در برخورد با زشتی‌ها، باید هم عطفوت و مهربانی به کار برد و هم از امر و نهی استفاده کرد. (مایه‌ی روشنی چشم من و توست... او را نکشید.)
- در نهی از منکر باید از ارتباط شفاهی (زبانی) استفاده کرد. (او را نکشید!)

نیکوکاران

«چون [موسی (ع)] نیرومند و برومند شد، او را فرزانتگی و دانش دادیم، و این‌گونه نیکوکاران را [در دنیا] پاداش می‌دهیم» (قصص/۱۴).

- بلوغ واقعی، علاوه بر رشد جسمانی، به بلوغ فکری نیز وابسته است. (او را فرزانتگی و دانش دادیم.)
- حکمت بر علم مقدم است. (او را «فرزانتگی» و «دانش» دادیم.)
- لطف به نیکوکاران سنت الهی است. (و این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.)
- پاداش نیکوکاران منحصر به آخرت نیست. (و این‌گونه نیکوکاران را [در دنیا] پاداش می‌دهیم.)

یک کودک

«ما پیشاپیش دا بیگی زنان را که شیر می‌دادند، بر او حرام کردیم. پس [خواهر موسی که مأموران را در جست‌وجوی دایه دید] گفت: «آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که می‌توانند او را نگهداری کنند و خیرخواه او باشند؟» (قصص/۱۲).

- گاهی مستکبران از تأمین غذای یک کودک هم ناتوان می‌شوند. (... بر او حرام کردیم.)
- در حوادث همواره باید هوشیار بود. خواهر موسی، بدون اینکه نامی از مادرش ببرد، او را به مأموران فرعون معرفی می‌کند. (آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم...)
- نوزاد، علاوه بر نیازهای طبیعی (فیزیولوژیکی)، به کانون خانواده و محبت نیازمند است. (... می‌توانند او را نگهداری کنند و خیرخواه او باشند.)

وعده‌ی خدا

«بدین‌سان او را به مادرش بازگردانیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد و بداند وعده‌ی خدا حق است، ولی بیشتر آن‌ها نمی‌دانند.» (قصص/۱۳)

- نوزاد نور چشم مادر و مایه‌ی آرامش اوست. (تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد.)
- مادر عمیق‌ترین نقش را در تکوین شخصیت کودک دارد. (او را به مادرش بازگردانیم.)

راه راست

«و چون [موسی] به سوی مدین روی نهاد، گفت: «امید است که پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند» (قصص/۲۲).

- گاهی هجرت و تحرک از شیوه‌های تحول‌خواهی و جلب خشنودی خداست. (و چون به سوی مدین روی نهاد.)
- نخست حرکت و سپس دعا و امیدواری. (و چون به سوی مدین روی نهاد... گفت: امید است که پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند.)
- همواره باید در صدد انتخاب بهترین و نزدیک‌ترین راه‌ها بود. (راه راست)
- در همه‌ی حالات باید امیدوار بود. (امید است که...)
- وجود فراز و نشیب در مسیر تربیت انسان‌ها یک سنت الهی است. (و چون به سوی مدین روی نهاد... گفت: امید است که پروردگارم...)
- در هر کار باید از پروردگار یاری طلبید. (و چون به سوی مدین روی نهاد... گفت: امید است که پروردگارم...)

